

Research paper

1 (2), 225-235, Spring and Summer, 2023

Investigating the Tense and Aspect in Bakhtiari Dialect

Bahman Gorjian¹, Sayed Foad Ebrahimi², Sheida Eskandari³

Article Info

Article type:

Research article

Article history:

Received: 28 June 2023

Accepted: 6 September 2023

Keywords:

tense,
aspect,
Bakhtiari dialect,
Persian Language

ABSTRACT

The present study aims at investigating the tense and aspect from morphological and phonological perspectives in the Bakhtiari dialect as a linguistic variety of the Persian language. This dialect is used in four provinces of Chahmahal and Bakhtiari, Isfahan, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad, and Khuzestan. The method of the study is descriptive which has been conducted through field study. Data were collected in Chahmahal and Bakhtiari provinces and the north of Khuzestan province. About 10 hours of peoples' daily conversations were recorded and analyzed based on Katamba and Stonham (2007). Results showed that the future and past tenses of this dialect have attached auxiliary verbs of "be" pronounced as "bid", "vi" or "bi". The bound morpheme of /e/ is initially attached to the verb stem which shows no perfect aspect of this structure. Thus, the perfect aspect cannot be seen in this dialect; therefore, simple past or past perfect tense is used interchangeably. Past perfect aspects can be seen as a frequent structure in this dialect. The results of this study can help linguistics arrive at a complete picture of Bakhtiari's verbal constituents. It also may be a guide for investigating other Persian language dialects regarding their grammatical structures.

Cite this article: Gorjian, B., Ebrahimi, S. F., & Eskandari, Sheida (2023). "Investigating the Tense and Aspect in Bakhtiari Dialect". *Journal of Linguistic Studies: Theory and Practice*, 1 (2), 225-235.



© The Author(s).

Publisher: University of Kurdistan.

DOI: 10.22034/JLS.2023.139330.1037

1. Associate Professor, Department of Linguistics, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran. E-mail: bahgorji@yahoo.com
2. Assistant Professor, Department of Linguistics, Shadegan Branch, Islamic Azad University, Shadegan, Iran. E-mail: foad@yahoo.com
3. Ph.D. student of Linguistics, Department of Linguistics, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. E-mail: shida@yahoo.com

سال اول، دوره اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۲۳۵-۲۲۵

بررسی زمان و نمود در گویش بختیاری

بهمن گر جیان^۱، سید فواد ابراهیمی^۲، شیدا اسکندری^۳

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ وصول:

۷ تیر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۱۵ شهریور ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

زمان،

نمود،

گویش بختیاری،

زبان فارسی

پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی تحلیلی است که به بررسی انواع زمان افعال و همچنین انواع نمود در گویش بختیاری می‌پردازد. داده‌های این پژوهش از طریق مطالعه میدانی و ضبط ۱۰ ساعت مصاحبه با گویشوران بختیاری بر اساس اصول واژه‌شناسی کاتامبا و استنهام (۲۰۰۷) مورد تجزیه و تحلیل توصیفی قرار گرفت. در گویش بختیاری برخلاف زبان فارسی شناسه‌ها به فعل اصلی نمی‌چسبند و فعل معین (بودن) بدون تغییر می‌ماند ولی در فارسی شناسه فاعلی به فعل چسبیده و یک کلمه را تشکیل می‌دهد. ساختار اصیل ماضی بعید همچون دیگر ارکان گویش بختیاری از نفوذ زبان فارسی مصون نمانده و می‌رود که فرو ریزد و فراموش شود. ماضی بعید نیز در گویش بختیاری مثل فارسی است، فقط به‌جای «بود» از «بید» یا «بی» یا «وی» استفاده می‌شود. برای بیان زمان آینده در این گویش معمولاً همان مضارع اخباری به کار می‌رود. در گویش بختیاری قرار دادن تکواژ تصریفی /e/ در آغاز فعل، قبل از ستاک فعلی بیانگر نمود ناقص است. برای نشان‌دادن رخداد فعلی که کاملاً به پایان رسیده است می‌توان از گذشته ساده یا ماضی بعید استفاده کرد. در این گویش ساخت‌هایی به‌صورت گذشته کامل و دارای نمود کامل هستند. نتایج این پژوهش می‌تواند در دستیابی به ساخت دستوری این گویش کمک کند.

استناد: گر جیان، بهمن؛ سید فواد ابراهیمی و شیدا اسکندری (۱۴۰۲). «بررسی زمان و نمود در گویش بختیاری». پژوهش‌های

زبان‌شناسی: نظریه و کاربرد، ۱ (۲)، ۲۲۵-۲۳۵.

ناشر: دانشگاه کردستان



حق مؤلف: نویسندگان

DOI: 10.22034/JLS.2023.139330.1037

۱. دانشیار گروه زبان‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. E-mail: bahgorji@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد شادگان، دانشگاه آزاد اسلامی، شادگان، ایران. E-mail: foad@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری، گروه زبان‌شناسی همگانی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

E-mail: shida@yahoo.com

۱. مقدمه

اعتبار و ارزش زبان بستگی به میزان تنوع گویش‌های محلی آن دارد. یک زبان ممکن است با توجه به قلمروش دارای چند گویش محلی باشد. حتی نمونه‌هایی وجود دارد که گویش‌های محلی یک منطقه با منطقه‌ی دیگر به قدری متفاوت است که فهم آن مشکل می‌شود. اگر زبان را مجموعه‌ای بزرگ در نظر بگیریم، گویش‌ها اجزای کوچکتری هستند که از زبان اصلی منشعب می‌شوند و بر اثر مرور زمان و با توجه به شرایط خاص جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی واژه‌های جدید در آن داخل می‌شوند و از نظر دستوری خصوصیات ویژه می‌یابند به گونه‌ای که تشخیص انشعاب گویش‌ها از زبان اصلی پس از گذشت چند قرن نه تنها برای گویشوران همان منطقه، بلکه برای زبان‌شناسان نیز مشکل می‌شود (کوک، ۱۹۸۹). جستجو در ساختارهای هر گویش پیوندی را میان گویش‌ها با زبان‌های منشعب شده از آن برقرار می‌سازد و مبدأ اصلی زبان‌ها را به ما می‌نمایاند. گویش بختیاری از گویش‌های جنوب غربی ایران است و متناسب با شرایط زیستی، اقتصادی، طبیعی و فرهنگ بومی این قوم سامان و غنا یافته است. راولینسون در سفرنامه خود می‌نویسد تاکنون این گویش‌های رایج در منطقه زاگرس را بازمانده زبان پهلوی می‌دانستند ولی به نظر می‌رسد گویش لری از فارس باستان مشتق شده است که هم‌زمان با زبان پهلوی به صورت جداگانه با آن تکلم می‌شده است. خاک این منطقه به لحاظ کوهستانی بودن از هجوم اقوام بیگانه مصون مانده و گویش آنان کمتر با زبان ترکی و عربی مخلوط شده است. وی این گویش ظریف را از مشتقات نزدیک زبان پهلوی می‌داند. گویش بختیاری از جمله گویش‌های جنوب غربی ایران - شاخه لری - به شمار می‌رود، گویش‌های لری تفاوت‌هایی با همدیگر دارند. این تفاوت‌ها بیشتر با لره‌های لرستان فیلی مصداق می‌یابد اما با لرستان جنوبی به ویژه در استان کهگیلویه و بویر احمد و ممسنی اختلاف چندان چشمگیر نیست. مجموعاً گفته می‌شود زبان‌های لری نزدیکترین همسایه و همدسته زبان فارسی هستند (رضایی و امانی بابادی، ۱۳۹۲). این پژوهش در پی دستیابی به پاسخ این پرسش‌هاست که زمان افعال در

-
1. Cook
 2. Rawlinson
 3. tense

گوش بختیاری چگونه بازنمایی می‌گردد؟ همچنین آیا همه انواع نمود شامل نمود ناقص، تام و کامل در این گوش کاربرد دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

این گوش که هنوز دارای جنبه‌های دست نخورده زیادی است می‌تواند تصویری از ایران گذشته را به ما نشان دهد. اما با توجه به اینکه در گذر زمان پیوسته دچار دگرگونی می‌شود و این دگرگونی بیشتر در تحولات واژگانی صورت می‌گیرد تا ساختار دستوری، بنابراین تحقیقات در زمینه‌ی نحو گوشها می‌تواند از اصالت بیشتری برخوردار باشد. از سوی دیگر، ساختار فعل و مقولات مرتبط با آن در این گوش یکی از مقولات مهم و قابل بررسی است. از این رو، هدف نوشتار حاضر، بررسی مقوله‌های دستوری فعل از جمله نمود و زمان است. شایان ذکر است که نمود و زمان ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و این دو مقوله زمان و نمود در زبان فارسی سخت به یکدیگر وابسته‌اند (مرزبان‌زاد، ۱۳۷۹). نمود در زبان‌شناسی به شکلی از فعل گفته می‌شود که نشان‌دهنده چگونگی انجام عمل در محور زمان است و نشان می‌دهد که آیا آن عمل به صورت در لحظه‌ای یا مکرر انجام شده است به عقیده برخی محققان مانند (گلفام ۱۳۸۵)، نمود در نظام صرف افعال مهم‌تر از زمان است و صورت‌های مربوط به زمان و نمود از ستاک^۱ حال یا ستاک گذشته ساخته می‌شوند. ستاک گذشته خود از مصدر مشتق می‌شود و رابطه ستاک حال با گذشته و مصدر همیشه روشن و با قاعده نیست. ستاک حال اغلب با حذف پسوند مصدر ساز از مصدر به دست می‌آید اما در بسیاری موارد ستاک حال و مصدر در عناصر دیگری به جز پسوند مصدر ساز با هم تفاوت دارند (ماهو تیان، ۱۳۷۸: ۲۲۶).

رضایی و امانی بابادی (۱۳۹۲) رویکردی توصیفی روی نمود از لحاظ دستوری در گوش بختیاری داشتند و هدف آن شناخت انواع نمود دستوری، تظاهر واژی- نحوی آنها و تفاوت نمود در این گوش با در ارتباط با زبان فارسی بود. در این پژوهش، بر اساس چارچوب نظری کامری^۳ (۱۹۷۶) انجام شد و داده‌های زبانی از گفتار مردم سالخورده، بی‌سواد و تک‌زبانه روستای دهنو در شهرستان کوه‌رنگ استان چهارمحال و بختیاری به دست آمد. دلیل این امر این

1. aspect
2. stem
3. Comrie

بود که این گویشوران کمتر تحت تأثیر عوامل تغییر زبان در اطراف این منطقه قرار گرفته بودند و نفوذ زبان فارسی در گفتارشان کمتر مشهود بود و این امر محققان را در به دست آوردن اطلاعاتی بومی تر و خالص تر یاری رساند. جمع آوری داده‌ها به صورت ضبط و یادداشت برداری گفتار گویشوران و انجام شد. این داده‌های زبانی پیاده‌سازی به زبان فارسی مقایسه‌ای شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این گویش انواع نمود ناقص، تام و کامل مورد تحلیل قرار گرفته و نمود ناقص هم به نمودهای استمراری، عادتی و تکرار تفکیک شد. نتایج تحقیق نشان داد که ابزارهای بیان مقوله نمود در این گویش، شکل صرفی افعال در زمان‌های مختلف و افعال کمکی هستند. آنها نتیجه‌گیری کردند که در گویش بختیاری همانند زبان فارسی تمایز نمودی بین نمود ناقص، تام و کامل به صورت حضور و عدم حضور تکواژ قابل تشخیص است. نمود اصطلاحی است که بیان‌کننده‌ی چگونگی انجام عمل در طول زمان است کامری (۱۹۷۶) از بعد همزمانی و ساختاری به نمود پرداخته است. وی در مطالعه‌ای توصیفی به نمود زمان در زبان فارسی پرداخته است و «دو نمود کامل و ناقص را برای این زبان قائل شده است» (کامری، ب ۱۹۸۷: ۵۳۶). در یکی از تعریف‌های رایج از زمان دستوری که توسط کامری صورت گرفته است. وی زمان دستوری را دستوری کردن جایگاه زمان می‌داند و سه زمان گذشته، حال و آینده را روی محور افقی زمان به صورت نموداری بر روی یک خط نشان می‌دهد. نمود یکی دیگر از مقولات زبانی است که در ساختار فعل متبلور می‌شود. به طور کلی نمود یک فعل در واقع بازتاب میزان تداوم رخداد فعل در محور زمان است. در یک برش کلی می‌توان نمود را به نمود کامل و ناقص تقسیم کرد. «منظور از نمود کامل آن است که رخداد فعل به لحاظ زمانی مقید باشد» (گلفام، ۱۳۸۵: ۷۱). در نمود ناقص تحقق فعل فرایندی ممتد و نامقید است و در محور زمان گستره‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. «از اصطلاح استمراری نیز برای نمود ناقص استفاده می‌شود» (گلفام، ۱۳۸۵: ۷۲). در ارتباط با این دو مقوله، ماهوتیان (۱۳۷۸) و گلفام (۱۳۸۵) مطالعاتی انجام داده‌اند. امانی بابادی (۱۳۹۲) با مطالعه نمود در گویش لری بختیاری و احمدی (۱۳۹۳) با توصیف رده‌شناختی زمان دستوری در گویش گرجی فریدن نمود را کرده‌اند.

رضایی و امانی بابادی (۱۳۹۲) نمود دستوری در گویش لری بختیاری را مورد پژوهش قرار دادند و صرفاً از نظر ساختاری نمود را در ساخت جمله بررسی کردند. احمدی (۱۳۹۳) به توصیف رده‌شناختی زمان دستوری در گویش گرجی فریدن پرداخته‌است، اما روی گویش بختیاری در مورد نمود کاری صورت نگرفت. این امر اهمیت بر روی بررسی نمود و زمان را در افعال صرفی از نظر واژه‌شناسی را دو چندان می‌کند. به لحاظ بررسی‌های انجام‌شده توسط پژوهشگر، بررسی همزمان زمان دستوری و کاربرد انواع نمود در گویش بختیاری پژوهش جامع و کاملی در قالب یک مقاله صورت نگرفته‌است.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تحقیقات اندکی روی نمود در گویش بختیاری انجام شده‌است، ولی مقوله زمان در این گویش بررسی نشده‌است و این امر اهمیت این موضوع را دو چندان می‌کند. مقوله «زمان و نمود» از جمله مباحث مهمی هستند که همواره مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته‌اند. کاتامبا و استنهام (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان صرف بحثی را به این دو مقوله در عبارت‌های فعلی اختصاص داده‌اند. آن‌ها مقوله «زمان و نمود» را یکی از ویژگی‌های ذاتی فعل می‌دانند. به باور آن‌ها، نمود تعیین می‌کند که عمل فعل در یک رخداد یا حالت فرایندی کامل شده‌است یا در جریان است. این پژوهش به مطالعه زمان افعال در گویش بختیاری و بازنمایی آن‌ها می‌پردازد و در پی کشف انواع نمود شامل نمود ناقص، تام و کامل در این گویش است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش داده‌ها از طریق مطالعه میدانی و ضبط ۱۰ ساعت مصاحبه با گویشوران بختیاری و بخصوص افراد مسن و اصیل بختیاری در خصوص مکالمات متنوع و روزمره ضبط و پیاده سازی شد و بر اساس تقسیم بندی واژگانی کاتامبا و استنهام (۲۰۰۷) بازنمایی نمود وزمان مورد تجزیه و تحلیل توصیفی قرار گرفت. در ارتباط با تجزیه و تحلیل داده‌ها از مطالعات ماهوتیان (۱۳۷۸)، گلفام (۱۳۸۵)، امانی بابادی (۱۳۹۲) و احمدی (۱۳۹۳) نیز بهره‌گیری گردید.

۳-۱- بررسی نمود در گویش بختیاری

۱- نمود ناقص

در گویش بختیاری قرار دادن تکواژ تصریفی /e/ در آغاز فعل، قبل از ستاک فعلی بیانگر نمود ناقص است.

1) i kor ičo e-xos-e
thi boy here IMP-sleep-3.SG

این پسر اینجا می‌خوابد.

در این جمله در مورد پایان فعل اطلاعاتی داده نشده پس فعل دارای نمود ناقص می‌باشد.

۲- نمود تام

برای نشان دادن نمود تام در گویش بختیاری پیشوند دستوری خاصی موجود نیست اما برای نشان دادن رخداد فعلی که کاملاً به پایان رسیده است می‌توان از گذشته ساده یا ماضی بعید استفاده کرد.

2) dâ-m no poh-Ø
mother-1.SG.POS bread bake-PAST.3.SG

مادرم نان پخت.

در مثال (۲) که فعل به صورت گذشته ساده به کار رفته است (پخت) و کار و عمل فعل (پختن) به صورت کامل انجام شده و نیاز به قید زمان ندارد که مفهوم کامل شدن را برساند و عمل (پختن) به صورت یک عمل غیرقابل تجزیه به ذهن می‌رسد که بیانگر نمود تام است.

۳- نمود کامل

در این گویش ساخت‌هایی که گذشته نقلی نامیده می‌شوند دارای نمود کامل هستند.

3) yazâ xar-d-om-e
food eat -PAST-1.SG-PERF

غذا خورده‌ام.

در مثال (۳) فعل (خوردن) به ساختار کلی موقعیت بدون ارجاع به ساختار درونی آن اشاره دارد. با این وجود گوینده موقعیت را به صورت یک کل غیرقابل تجزیه می‌بیند.

۳-۲- چارچوب زمان در صرف افعال گویش بختیاری

۱. صرف فعل در زمان مضارع اخباری

شناسه + بن مضارع + e-

معنای فارسی	آوانگاری	نمود	فعل
می‌گذرام	enom	انم	اول شخص مفرد
می‌گذاری	eni	انی	دوم شخص مفرد
می‌گذارد	ene	انه	سوم شخص مفرد
می‌گذاریم	enim	انیم	اول شخص جمع
می‌گذارید	enin	انین	دوم شخص جمع
می‌گذارند	enen	انن	سوم شخص جمع

نشانه مضارع اخباری پیشوند /e- است.

۲- صرف فعل در زمان مضارع التزامی

دستور ساختش مثل فارسی است. ساخت آن بدینگونه است:

پیشوند (ب be) + بن مضارع + شناسه های

معنای فارسی	آوانگاری	نمود	فعل
بروم	berevom	بروم	اول شخص مفرد
بروی	berevi	بروی	دوم شخص مفرد
برود	bereve	بروه	سوم شخص مفرد
برویم	berevim	برویم	اول شخص جمع
بروید	bervin	بروین	دوم شخص جمع
بروند	bereven	برون	سوم شخص جمع

۳- صرف فعل در زمان مضارع استمراری

معنای فارسی	آوانگاری	نمود	فعل
دارم می‌خندم	onhandom	ان هندم	اول شخص مفرد
داری می‌خندی	onhandi	ان هندی	دوم شخص مفرد
دارد می‌خندد	onhande	ان هنده	سوم شخص مفرد
داریم می‌خندیم	onhandim	ان هندیم	اول شخص جمع
دارید می‌خندید	onhandin	ان هندین	دوم شخص جمع
دارند می‌خندند	onhanden	ان هندن	سوم شخص جمع

پیش افزود " on " نشانه مضارع مستمر است. " on "تخفیف یافته " honey "، "oney" و "ono" می باشد که هر سه گونه مزبور در گویش بختیاری متداول است.

۴- صرف فعل در زمان ماضی مطلق

دستور ساختش مثل فارسی است. (شناسه + بن ماضی)

معنای فارسی	آوانگاری	نمود	فعل
رقصیدم	bazestom	بازستم	اول شخص مفرد
رقصیدی	bazesti	بازستی	دوم شخص مفرد
رقصید	bazest	بازست	سوم شخص مفرد
رقصیدیم	bazestim	بازستیم	اول شخص جمع
رقصیدید	bazestin	بازستین	دوم شخص جمع
رقصیدند	bazesten	بازستن	سوم شخص جمع

۵- صرف فعل در زمان ماضی استمراری

شناسه + بن ماضی + e- مثل: اِخَرْدُم (exardom) می خوردم

معنای فارسی	آوانگاری	نمود	فعل
می رقصیدم	ebazestom	ابازسم	اول شخص مفرد
می رقصیدی	ebazesti	ابازستی	دوم شخص مفرد
می رقصید	ebazest	ابازست	سوم شخص مفرد
می رقصیدیم	ebazestim	ابازستیم	اول شخص جمع
می رقصیدید	ebazestin	ابازستین	دوم شخص جمع
می رقصیدند	ebazesten	ابازستن	سوم شخص جمع

۶- صرف فعل در زمان ماضی نقلی

e - + ماضی مطلق

معنای فارسی	آوانگاری	نمود	فعل
افتاده ام	vastome	وستمه	اول شخص مفرد
افتاده ای	vastiye	وستی یه	دوم شخص مفرد
افتاده است	vaste	وسته	سوم شخص مفرد
افتاده ایم	vastene	وستنه	اول شخص جمع
افتاده اید	vastime	وستی مه	دوم شخص جمع
افتاده اند	vastine	وستینه	سوم شخص جمع

ساختار بالا نشان می‌دهد که در زبان بختیاری برخلاف زبان فارسی شناسه‌ها به فعل اصلی می‌چسبند و فعل معین (بودن) بدون تغییر می‌ماند. ساختار اصیل ماضی بعید همچون دیگر ارکان زبان بختیاری از تعدی زبان فارسی مصون نمانده و می‌رود که فراموش شود، چرا که امروز بختیاری‌ها این فعل را تحت تاثیر ساختار زبان فارسی آن صرف می‌کنند یعنی شناسه‌ها را به فعل معین می‌چسبانند و نه فعل اصلی بدین صورت:

اویده ویدم oveyde vedom آمده بودم

۷- صرف فعل در زمان ماضی مستمر

معنای فارسی	آوانگاری	نمود	فعل
داشتم نگاه می‌کردم	hey eneyaštom	هی انیشتم	اول شخص مفرد
داشتی نگاه می‌کردی	hey eneyašti	هی انیشتی	دوم شخص مفرد
داشت نگاه می‌کرد	hey eneyašt	هی انیش	سوم شخص مفرد
داشتم نگاه می‌کردیم	hey eneyaštīm	هی انیشتم	اول شخص جمع
داشتید نگاه می‌کردید	hy eneyaštīn	هی انیشتم	دوم شخص جمع
داشتند نگاه می‌کردند	hey eneyašten	هی انیشتم	سوم شخص جمع

۴- نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج تحقیق در خصوص نمود در صرف افعال در زمان مشخص گردید که در گویش بختیاری دارای تنوع ساختاری زیادی در صرف افعال مختلف می‌باشد و تمام زمان‌های مختلف در این گویش دارای پیشوند‌های صرفی هستند. در زمان حال و صرف افعال اخباری بر خلاف زبان فارسی، از پیشوند زمان حال استفاده می‌شود. در زمان مضارع التزامی، ماضی استمراری، ماضی مستمر، ماضی بعید ساختار دستوری فعل کاملاً مشابه زبان فارسی عمل می‌کند و در زمان مضارع مستمر نیز مجدداً شناسه فعل پیش از فعل به صورت پیشوند اضافه می‌گردد. در زمان ماضی مطلق بر خلاف زبان فارسی شناسه‌ها به فعل می‌چسبند و تنها در زمان آینده است که ساختار صرفی این زمان مشابه زمان مضارع اخباری در فارسی است. در این پژوهش به بررسی زمان‌های گذشته، حال و آینده و همچنین بررسی نمودهای کامل، تام و ناقص در پویش بختیاری پرداخته شده است.

پژوهش‌های دیگر از جمله رضایی و امانی بابادی (۱۳۹۲) «بررسی نمود دستوری در گویش لری بختیاری»، در مورد نمود در گویش لری بختیاری، تا حدودی نتایج تحقیق حاضر را تأیید

می‌نماید. ولی به شباهت‌ها و تفاوت‌های پیشوند‌ها در گویش بختیاری و زبان فارسی نپرداخته‌اند. احمدی (۱۳۹۳) به بررسی «توصیف رده شناختی زمان دستوری در گویش گرجی فریدن» پرداخته است اما گویش بختیاری به طور جامع در این زمینه کاری صورت نگرفته است، که این اهمیت بر روی این موضوع را دو چندان می‌کند. به لحاظ بررسی‌های انجام شده توسط محقق بررسی همزمان زمان دستوری و کاربرد انواع نمود در گویش بختیاری پژوهش جامع و کاملی در قالب یک مقاله صورت نگرفته است.

در گویش بختیاری نشانهٔ مضارع اخباری پیشوند /e/ است. فعل مضارع التزامی در گویش بختیاری دستور ساختش مثل فارسی است. پیشوند "on" نشانهٔ مضارع مستمر است. "On" «تخفیف یافته "honey"، "oney" و "ono" است که هر سه گونه مزبور در لهجه‌های مختلف زبان بختیاری متداول است. فعل ماضی مطلق در گویش بختیاری دستور ساختش مثل فارسی است. در این گویش ماضی استمراری به صورت شناسه + بن ماضی + e- ساخته می‌شود. در گویش بختیاری برخلاف زبان فارسی شناسه‌ها به فعل اصلی می‌چسبند و فعل معین (بودن) بدون تغییر می‌ماند. ساختار اصیل ماضی بعید همچون دیگر ارکان زبان بختیاری از تعدی زبان فارسی مصون مانده و می‌رود که فروریزد و فراموش شود، چرا که امروز بختیاری‌ها این فعل رو تحت تاثیر ساختار زبان فارسی آن صرف می‌کنند. در این گویش ماضی بعید مثل فارسی است فقط به جای «بود» از «بید» یا «بی» یا «وی» استفاده می‌شود. برای بیان زمان آینده معمولاً همان مضارع اخباری به کار می‌رود.

در گویش بختیاری قراردادن تکواژ تصریفی /e/ در آغاز فعل، قبل از ستاک فعلی بیانگر نمود ناقص است. برای نشان دادن نمود تام در گویش بختیاری پیشوند دستوری خاصی موجود نیست اما برای نشان دادن رخداد فعلی که کاملاً به پایان رسیده است می‌توان از گذشته ساده یا ماضی بعید استفاده کرد. در این گویش ساخت‌هایی که گذشته نقلی نامیده می‌شوند دارای نمود کامل هستند.

منابع فارسی

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۰). *دستور تاریخی فعل*. تهران: نشر قطره.
- امانی بابادی، مریم (۱۳۹۲). «بررسی نمود دستوری در گویش لری بختیاری»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان.

- احمدی، مجتبی (۱۳۹۳). «توصیف رده شناختی زمان دستوری در گویش گرجی فریدن». پایان-نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- راولینسون، هنری کرزویک (۱۳۶۲). *سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان)*. ترجمه سکندر بهاروند امان‌اللهی بهاروند. تهران: انتشارات موسسه آگاه.
- رضایی، والی و مریم امانی بابادی (۱۳۹۲). «بررسی نمود دستوری در گویش لری بختیاری». *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، ۱(۳): ۱۵۷-۱۳۹.
- گلفام، ارسال (۱۳۸۵). *اصول دستور زبان*. تهران: انتشارات سمت.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*. تهران: نشر مرکز.
- مرزبان راد، علی (۱۳۷۹). *دستور سودمند*. تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر

References

- Comrie, B. (1976). *Aspect*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cook, V. (1989). Applied linguistics and language teaching in the 21st century. In V. Cook and L. Wei (eds.) *Introduction to contemporary applied linguistics*. (pp. 139-162). New York: Mouton de Gruyter.
- Comrie, B. (1987). *Tense*. London: Cambridge University Press.
- Katamba, F., & Stonham, J. (2007). *Morphology*: London: Macmillan.

